

## آینة

## ایران

**آماررسمی رانفی تکنید**

● **هنگام معرفی چهار نفر از وزرای پیشنهادی، آقای روحانی به مسئله اشتغال اشاره کردند و گفتند که:** «در ابتدای کار دولت، ۲۰میلیون و ۶۰۰ هزار شاغل داشتیم و امروز تعداد شاغلان به ۲۳میلیون و ۳۰۰ هزار نفر رسیده است»؛ بلافاصله از میان نمایندگان برخی لب به اعتراض گشودند و آن را نادرست دانستند و آقای روحانی هم ارجاع دادند به گزارش مرکز آمار ایران. ما نمی‌دانیم این نمایندگان محترم که نسبت به آمار اشتغال آن‌قدر حساس هستند که در میان سخنان آقای رئیس‌جمهوری لب به اعتراض گشوده‌اند، آیا اصولا از آمار اشتغال و بی‌کاری اطلاع داشته‌اند یا خیر؟ اگر اطلاع نداشته‌اند و نادانسته گزاره آقای روحانی را نفی کرده‌اند که بسیار زشت است ولی اگر اطلاع داشته‌اند، یا به علم به تعداد شاغلان آن را نفی کرده‌اند، در این صورت باید پرسید که آن اطلاعات را از کجا آورده‌اند؟ هیچ جایی جز مرکز آمار ایران، متولی رسمی ارائه آمار شاغلان و بی‌کاران نیست. اگر ایشان از جای دیگری اطلاع دارند، بهتر است بگویند. ولی داده‌های رسمی مرکز آمار درباره اشتغال همین است که آقای رئیس‌جمهوری گفتند. به عبارت دیگر طی پنج سال اخیر حدود دومیلیون و ۷۰۰ هزار شغل در کشور ایجاد شده است، ولی آیا کسی حق دارد که این آمار را زیر سؤال ببرد؟

پاسخ این است که اگر کسی نقد علمی به این داده‌ها دارد باید آن را بیان کند، ولی در غیر این صورت کسی حق ندارد که آنها را رد کند. به‌ویژه نماینده‌ای که بودجه مرکز آمار را تصویب می‌کند، وظیفه دارد که دراین‌باره دقیق سخن بگوید. آیا مرکز آمار اطلاعات ساختگی عرضه می‌کند؟ پاسخ بر اساس تجربه منفی است. مرکز آمار ایران حدی لازم از استقلال را در تولید داده‌های آماری دارد. اصولا منافع‌ی برای تخلف و تقلب آماری ندارد و هیچ‌کس هم نمی‌تواند دستور دهد که اطلاعات ساختگی تولید و عرضه کنند. بهترین دلیل آن دوران احمدی‌نژاد است که مرکز آمار ایران علی‌رغم اصرار مقامات دولتی همواره بر ارائه دقیق آمار اشتغال تاکید می‌کرد، درحالی‌که احمدی‌نژاد و دوستانش در دولت مدعی بودند که سالانه یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار شغل درست می‌کنند!! مرکز آمار که مدیریت آن منصوب آن دولت بود، کل اشتغال دوره هشت‌ساله احمدی‌نژاد را زیر ۷۰۰ هزار شغل اعلام کرد.

## وقت امروز

● **چرا راهکارهای روحانی معکوس جواب داد؟!**

● **حسن رضایی؛** وقتی به بقالی سر کوچه می‌روی تا چیزی خرید کنی، باید حتما پول همراه داشته باشی. امروز را هم تسویه کنی، آقای بقال باید اطمینان کند فردا و فرداها بالاخره پولش را پس خواهی داد، در غیر این صورت طبعاً معامله خرابی در کار است و باید اساس سیاست داخلی و خارجی حسن روحانی از ۹۲ تاکنون، همین معامله‌کردن بوده است. روحانی معتقد بود «در کشور ما سال‌ها و دهه‌هاست که اقتصاد به سیاست خارجی و داخلی یارانه می‌دهد، اقتصاد ما تا کی باید به سیاست یارانه بدهد؟ باید یک دهه امتحان کنیم و از سیاست داخلی و خارجی به اقتصاد یارانه بدھیم تا ببینیم زندگی، معیشت و اشتغال جوانان مردم چگونه خواهد شد». ما هم‌کنون قریب شش سال از آن دهه مدنظر آقای روحانی را سیری کرده‌ایم، نتایج اقتصادی حاصل اما اگر نگویم دهشت‌آفرین، حتما ترسانک بوده‌اند.

## تقب

**تبعیض بین‌زنان؟!**

● **فاطمه راگهی، فعال حقوق زنان:**... اگر پوشیدن

یک لباس مثل لباس کشتی در مجمع عمومی اشکال دارد، چرا آن را هنگام ورزش می‌پوشند؟ زنان هم لباس شای خود را در مجامع عمومی نمی‌پوشند و این را به‌عنوان فرهنگ اسلامی پذیرفته‌اند، برای اینکه لباس ورزشکاران نامناسب است که نمی‌توان زنان را از طبیعی‌ترین حقوقشان محروم کرد، یا اینکه گفته می‌شود مردان در این محیط فحاشی می‌کنند پس زنان به ورزشگاه نایبند! به‌جای این باید کرد مدیریت لازم را انجام دهند و با افراد فحاش برخورد قانونی صورت بگیرد نه اینکه زنان را از حقوقشان منع کنند!

اصلا این مسئله در یک جامعه اسلامی نباید مطرح شود، باید پوشش‌ها همان‌طور که برای زنان با ضوابطی همراه است برای مردان هم باید با ضوابطی همراه باشد. اگر برای مردان هم ضوابط پوششی رعایت شود، هیچ مشکلی پیش نمی‌آید که برای حل آن زنان را از حقوقشان منع کنند. منظور این است که آن چیزی را که به آقایان مربوط است و در چارچوب ضوابط مربوط به مردان قرار می‌گیرد، اگر از طرف مردان رعایت نمی‌شود چرا زنان باید تاوان آن را پس بدهند و از حقوقشان محروم شوند؟! یا اینکه اگر مدیریت این را ندارند که جلوی الفاظ رکیک و رفتارهایی که در یک مجمع عمومی ورزشی برآزنده نیست را بگیرند، چرا زنان را از تماشای بازی تیم مورد علاقه‌شان محروم می‌کنند؟

politics@sharghdaily.ir



**آیت‌الله عндіلب همدانی از جامعه مدرسین رفت**

# استعفا در واکنش به یک نامه سرگشاده

مدرسین چگونه می‌تواند با این تنگ‌نظری‌های دور،

نسل جوان را به اسلام و انقلاب جذب نماید؟». اگرچه به نظر می‌رسد علت اصلی این استعفا، همان‌طور که از متن نامه هم پیداست، به اختلافات ریشه‌دارتری بازمی‌گردد که حالا سر باز کرده است؛ اختلافاتی که یک زمان خود را در انتخابات سال۹۲ نشان داد. در زمان انتخابات ۹۲ که آیت‌الله محمد یزدی از احتمال تجزیه جامعه مدرسین سخن گفته بود، برخی احتمال می‌دادند این نهاد روحانی نیز به سرنوشت جامعه روحانیت دچار شود که در آستانه انتخابات مجلس سوم دوباره شد و مجمع روحانیون مبارز متشکل از روحانیون نزدیک به طیف چپ مذهبی از دل آن بیرون آمد.

آیت‌الله هادوی‌تهرانی نیز پیامی منتشر کرد که آن را با جمله: «اَنَا لَهُ و اَنَا اِلَیْهِ راجِعُون» از قرآن آغاز کرده است.

در این پیام آمده است: «خبر ناگوار نامه سرگشاده یکی از شخصیت‌های باسابقه حوزوی به یکی از مراجع بزرگ تقلید، در عین ناباوری و حیرت، موجب نهایت تأسف و تأثر گردید. بی‌شک، چنین ادبیات دور از ساحت ادب، دل صاحب حوزه‌های علمیه، حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، را در این ایام حزن آل‌الله علیهم‌السلام، رنجاند و آن عزیز سفرکرده را که صد قافله دل هم‌ره اوست، آزرده‌خاطر ساخت. به‌راستی با وجود چنین رویکردی از سوی یک فرد کهن‌سال در حوزه علمیه قم، چه توقعی از طلاب تازه‌کار در زمینه رعایت ادب و ادبیات حوزوی می‌توان داشت؟ س‌زاور است جامعه محترم مدرسین به جبران این لغزش کم‌نظیر به دست‌بوسی مراجع معظم تقلید، به‌ویژه مخاطب نام‌آشنای این نامه که استوانه‌ای کم‌نظیر از علم و اخلاق در حوزه علمیه قم است، شتافته و بی‌هیچ تردیدی از تمامی حوزه‌های علمیه به‌ویژه مراجع معظم تقلید و بلاخص رهبر عزیز انقلاب که همواره حامی صیانت از جایگاه رفیع مرجعیت بوده و هستند، عذرخواهی شایسته کنند، باشد که دل شکسته امام زمان م‌ج‌ل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در آستانه اربعین حسینی از سوی سربازان آن جناب مرهمی یابند و قرحه چشم‌های مجروحش که در غم جد بزرگوار خون گریه می‌کند، التیام پیدا کند و دعای خاص آن حضرت

## فرازهایی از گفته‌های آیت‌الله محمد یزدی در سال‌های اخیر

- متأسفانه برخی با لباس روحانیت می‌گویند که حوزه‌های علمیه باید به شرایط قبل از انقلاب برگردند، توجیهشان این است که حوزه علمیه نباید به حکومت و دولت وابسته باشد، اما مگر ما طرفدار وابستگی حوزه به حکومت هستیم؟ حرف ما این است که باید از این حکومت الهی و مردمی که برای احیای احکام و سنت‌های اسلامی و برای استقلال و آزادی برپا شده، تمام‌قد حمایت کنیم.
- درباره سپنتا نیکنام: اگر جایی اکثریت قریب به اتفاقان مسلمان باشند، غیرمسلمان نمی‌تواند برای آنها تصمیم بگیرد. قانون انتخابات صراحت دارد که اشخاص می‌توانند برای عضویت در شورای شهر کاندیدا شوند، اگر فردی در شهری انتخاب شد که اکثر قریب به اتفاق آن مسلمان هستند و وی در اقلیت بود، او در شورای شهر نمی‌تواند برای شهری که اکثرأ مسلمان هستند، تصمیم بگیرد. هیچ‌کس حق احترام به نظام اسلامی حاکم، رهبری و شان مرجعیت است؛ پس لازم است این احترام و شئون مرجعیت را رعایت فرموده و ترتیبی اتخاذ فرمایید این‌گونه مسائل دیگر تکرار نگردد. ان‌شاءالله.» به گزارش رسانه‌ها، بعد از انتشار این نامه، آیت‌الله بیات‌زنجانی در تماس تلفنی با آیت‌الله شبیری‌زنجانی ضمن آنکه ایشان را مایه مباهات امت اسلام برشمردند، فضای ایجادشده پس از نامه اخیر را لطف الهی برای آشنایی بیشتر مردم به‌خصوص جوانان با این شخصیت کم‌نظیر علمی دانستند.
- سرنوشت جامعه روحانیت در انتظار جامعه مدرسین؟** بعد از انتشار این نامه، آیت‌الله عндіلب همدانی استعفاي خود را از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام کرد. آنچه به‌عنوان علت اصلی این استعفا اعلام شده، نگرانی از استقلال حوزه و مرجعیت است. در این نامه آمده است: «نامه حضرت‌عالی به محضر مبارک مرجع بزرگوار شیعه، حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری‌زنجانی دامت برکاته، هرگونه تردیدی را که تاکنون درباره ادامه عضویت در آن جامعه محترم داشتم، مرتفع کرد؛ چه اینکه به این نتیجه قطعی رسیدم که تفسیر من از استقلال حوزه و جایگاه رفیع مرجعیت، با دیدگاه جناب‌عالی و همفکران شما در جامعه محترم مدرسین هیچ‌گونه هماهنگی ندارد و مملا امکان همکاری وجود ندارد و لذا از ادامه عضویت در آن جامعه معذورم. جامعه

## سیاست



**آیت‌الله عндіلب همدانی از جامعه مدرسین رفت**

# استعفا در واکنش به یک نامه سرگشاده

که همواره راهگشای شیعیان در عصر غیبت بوده است، در این شرایط حساس که بیش از هر زمان بدان نیازمند هستیم، ما را از گردنه‌های پیشرو به سلامت عبور دهد و کشتی انقلاب اسلامی را به ساحل زبای حضور آن بزرگوار، روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء برساند.»

عمده واکنش‌ها از سوی چهره‌های سیاسی به نامه منتشرشده متعلق به اصلاح‌طلب یا حداقل چهره‌های نزدیک به این جریان سیاسی بوده است. علی مطهری، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به نامه آیت‌الله محمد یزدی به آیت‌الله شبیری‌زنجانی، درباره دیدار او با سیدمحمد خاتمی، اظهارات او را تهدیدآمیز و موجب وهن روحانیت و حوزه توصیف کرد و گفت: «چه کسی گفته ملاقات یک مرجع تقلید با افراد سابقه‌دار در انقلاب که احیاناً انتقاداتی نیز دارند، خلاف شئون مرجعیت است؟ آیا شئون مرجعیت را جناب‌عالی بهتر از خود مراجع تشخیص می‌دهید؟ مگر مردم باید با اجازه شما به ملاقات این و آن بروند؟». سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حساب توئیتری خود نوشت: «مرجعیت پشتوانه حفظ هویت شیعی است، مواظب باشیم مراجع پاک‌زیست را با تابوی دغدغه مقدس حفظ نظام، موهون نکنیم و میراث تاریخی تبعیض را به تاراج نسپریم.»

**حرمی نگذاشته‌اید**

علی شکوری‌راد هم به این نامه واکنش نشان داد و در حساب توئیتری خود نوشت. «حضرت آیت‌الله یزدی! شما به‌خوبی مقام علمی، اخلاقی و مرجعیت حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری‌زنجانی را می‌دانید. این نوع حرمت‌شکنی حرمی را باقی نمی‌گذارذ و از کسی در مقام شما بعید است. آنکه در دفاع از او چنین کرده‌اید، از این کار شما ناخشنود است. خداوند توفیق جبران به شما عنایت فرماید.»

غلامعلی رجایی در کانال تلگرامی خود به نامه آیت‌الله یزدی واکنش نشان داد. در بخشی از نوشته رجایی آمده است: «خدا کند نامه آقای محمد یزدی، به مرجع عالی‌قدر، آیت‌الله شبیری‌زنجانی درست نباشد؛ همو که من در آخرین سفر مشهد که درخدمت مرحوم هاشمی بودم، در ملاقاتشان حضور داشتم، از هاشمی شنیدم آقای زنجانی در مقطعی، استاد

ایشان بوده است. آقای یزدی در بیانی که متأسفانه کمتر به آن توجه شد، به حضور این مرجع عالی‌مقام و بیدار در منزل کسی که –خاتمی-، مسئله‌دار است و برای رهبری و نظام احترامی قائل نیستند، ا اعتراض می‌کند».

حمیدرضا الفداء پوری از سخن‌گفتن با زبان تهدید با آبروی حوزه ابراز تأسف کرد؛ جلای‌پور، آیت‌الله شبیری زنجانی را آبروی روحانیت مستقل شیعه خوانده و نوشته است: «آیت‌الله شبیری یک مرجع تقلید ریشه‌دار و صاحب سلوک اخلاقی در حوزه علمیه قم است. او هیچ‌وقت به اسلام اقتدارگرا اعتقادی نداشته و مبلّغ آن نبوده است. زندگی خودش و همه فرزنداناش کوچک‌ترین تغییری با قبل از انقلاب نداشته است».

**تبعیض ویرانگر**

الیاس حسرتی در حساب توئیتری خود نوشت: «ما شیعیان مفتخریم که مراجع بزرگوارمان جز از خدای متعال از هیچ قدرتی اجازه نگرفته‌اند و مقید به قیود هیچ نهاد سیاسی یا اقتصادی نبوده‌اند. بی‌جهت نبوده که همواره مظلومان به بیوت مراجع پناه برده‌اند. ما مکلان‌ا اما اجازه نخواهیم دادکه به بهانه‌های واهی به ساحت مراجع اهانت شود. فاین تدهیون.»

عباس عبّدی هم با اشاره به اینکه نامه آقای یزدی، عضو برجسته جامعه مدرسین قم، خطاب به آیت‌الله شبیری‌زنجانی بارتاب وسیعی داشت، گفت: «مخالفت‌ها با این نامه به جای خود، ولی واقعیت آنچه در قم می‌گذرد همین نگاه آقای یزدی است. مسئله این است که با یک فهم عرفی هر کسی متوجه می‌شد که این نامه اثرات منفی و مخربی برای حوزه و نظام دارد، پس چرا آقای یزدی چنین نامه‌ای را نوشتند؟ آیا دیگران هم می‌توانند چون آقای ی‌زدی برای یک مرجع چنین نامه‌ای بنویسند و تحت تعقیب قرار نگیرند؟ اگر بتوانند، در این صورت ایرادی به کار آقای یزدی نیست و اگر نتوانند که قطعاً نمی‌توانند باید متشکل را در این تبعیض ویرانگر جست‌وجو کرد. این تبعیض ریشه همه نابسامانی‌ها و اظهار سخنان نسنجیده است که اتفاقا کسانی بیشتر قربانی این تبعیض می‌شوند که از آن بهره‌مند هستند».

جمعی از شاگردان حضرت آیت‌الله زنجانی هم با انتشار متنی، به نامه محمد یزدی واکنش نشان دادند. در این متن آمده است: تخطئه یک مرجع تقلید و مدرس کم‌نظیر نتیجه‌ای جز وهن حوزه و نظام ندارد. آن انعکاس نامهای از یک شخصیت حوزوی و از فقهای شورای نگهبان بود به یک مرجع بزرگوار تقلید که به‌حق فرشته‌ای است در کسوت آدمی که دانش وسیع و استواری او، به اخلاق، مورد اعتراف بخش مهمی از اعلاض حوزه بوده و هست، مرجع بزرگوار حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای شبیری‌زنجانی مدظله‌العالی، شخصیتی است که از بیت علم و تقوا بوده و خود امروز در تمام مجامع ایمانی و فقهی، «مشار بالبنان» است. آیت‌الله زنجانی از دوستان حضرت امام راحل- همواره با پشتیبانیان نظام اسلامی بوده و هست، ملاقات‌های بی‌تکلف ایشان با رهبری نظام، همواره حکایت از تواضع و خلوص این بزرگوار داشته و دارد. روا نبود که به جهت ملاقاتی دوستانه بین ایشان و برخی از شاگردان سال‌های گذشته‌اش، نامه‌ای از ادبیات، به معظم‌له نگاشته شود. تردیدی نیست دفاع از نظام، با این روش‌ها در برابر چنین ذخایر بزرگ شیعه، نه‌تنها دفاعی عقیم بوده و فاقد جاذبه است، بلکه چیزی جز تخریب مرجعیت که هویت شیعه در عصر غیبت است را به‌دنبال نخواهد داشت. امیدواریم عنایت حضرت بقیه‌الله (عج) همواره شامل همه مراجع و حوزه‌های علمیه باشد».

حجت‌الاسلام محمددقی فاضل‌مبیدی، عضو مجمع مدرسین حوزه علمیه قم، در یادداشتی در سایت جماران با اشاره به اینکه نمی‌دانم نامه‌ای که به نام آقای یزدی خطاب به آیت‌الله شبیری‌زنجانی منتشر شده، از خود آقای یزدی است یا دیگران به نام ایشان کتابت کرده‌اند؟ نوشته است: «جناب یزدی براساس اخلاق اسلامی سزاوار بود خدمت آیت‌الله شبیری که استاد ایشان و امثال ایشان تلقی می‌شود می‌رسید و ایشان را برای چنین رفت‌وآمدهایی تشویق می‌کرد و این رافت و رحمت اسلامی را مورد عنایت خود قرار می‌داد. چرا باید کار حوزه و مرجعیت به جایی برسد که دبیر جامعه مدرسین با این ادبیات تند و بی‌پروا، استقلال مرجعیت را زیر سؤال ببرد.

**ادامه از صفحه اول**

### کم‌لطفی به آینده ایران

اکتون در دوران وجوب افزایش تولید و اشتغال از مقام معظم رهبری درخواست می‌شود جلوی ادامه این شیوه نامیمون را بگیرند و اختصاص کل درآمد نفتی را به سرمایه‌گذاری‌هایی در بخش‌های انرژی، زیست‌محیطی، تولیدی-آموزشی و دفاعی دستور فرمایند. به‌همین‌دلیل که ترامپ از پیمان پاریس یعنی از تمدن خارج می‌شود، ایران باید بخش عمده سرمایه‌های نفتی را در کاهش شدت انرژی و به‌ویژه در کاهش هدرسوزی‌ها سرمایه‌گذاری کند و به دوران تولید برق حرارتی با سوخت گاز و نفت پایان دهد تا آلاینده‌های کربنی از این بیشتر نشود و شدت مصرف انرژی در سترون‌سازی اقتصاد مالی طبق دستور صریح مقام معظم رهبری در پیام نوروزی ۱۳۸۸ کاهش یابد. متأسفانه در این بازه ۱۰ساله سیاست‌ها و اجرائیات دولت‌ها سبب افزایش شدت مصرف انرژی بوده‌اند که شایسته است بازرسی دستگاه رهبری در این کار وارد شود و کم‌کاری نظارتی مجلس را هم بازخواست کند.

**دوم: اصلاح ساختار قیمتی عرضه‌سوخت**

گویا قرار است در اجرای قانون همدفندی یارانه سوخت، یک مقدار معین سوخت به همه ایرانیان تعلق گیرد و کسانی که سهمیه خود را مصرف نکنند، بتوانند به قیمت بازار آن را به خریداران بفروشند. ازآنجاکه فقیرترین و کم‌درآمدترین اقشار جامعه وسیله نقلیه موتور ندارند، می‌توانند با فروش سهمیه نفت و گازوئیل به یارانه نقدی برسند و بساط شیوه غلط، ظالمانه و خلاف عقل و علم فعلی برچیده شود. هم‌زمان قرار است ساختار جایگاه‌ها اصلاح شود و مثل هر کسب دیگر محل جایگاه تعیین‌کننده هزینه‌های آن باشد و دیگر از جیب همگانی هزینه حمل سوخت به جایگاه‌ها پرداخت نشود. قرار است قیمت پایه سوخت هم به نحوی تعیین شود که کسب‌وکار و حرام‌خواری قاچاقچیان سوخت و کالا را از رونق بینندازد و برای مردمان مایه تشویق شود که سوخت کمتر مصرف‌کنند و سوخت مصرف‌نکرده را به بهای خوبی به پرمصرف‌ها بفروشند اما باز هم نکته مغفول در این طرح این است که با تغییر قیمت پایه سوخت (آن‌هم رساندن آن در حد کمتر از نصف قیمت در ترکیه) روزهان حدود ۳۶۰ میلیارد تومان درآمد جدید حاصل می‌شود. به نظر می‌رسد که در این‌باره نیز باید مانع از مصرف هرج‌ومرج‌گونه فعلی در بودجه جاری شد و حداقل باید ۸۰ درصد این درآمد تازه صرف سفارش‌های تأمین‌آفرین در تولید و عمران شود. باید این درآمدهای رایلی را در تحرک تقاضای صنعتی عمرانی صرف کرد و از طریق این تحرک (Demand Drive) فقط برای گشایش اسناد اعتباری ال‌سی برای طرح‌های تولیدی و عمرانی کرد. اگر از این طریق عمل شود، روزهان از طریق این درآمدها شش هزار شغل‌آفرینی می‌توان کرد (به فرض سرمایه لازم متوسط برای ایجاد هر شغل پایدار) آیا باز هم بوروکرات‌های حاکم بر سیستم مالی و اقتصادی دولتی بی‌عملی و بی‌سواد ی خود را در تنصیب این منابع نشان خواهند داد و بی‌کاری جوانان آنها را به هوش خواهد آورد که در عرصه آشوب‌آفرینی صهیونیستی-آمریکایی، ما با ایجاد شغل برای جوانان پژوهش و دستور رهبری را در تولید و اشتغال فرمانبراری کنیم؟! حافظ به جام عدل بده باده تا کدا

طاقت نیاورد که جهان پر لا کند

**ادامه از صفحه ۴**

### سفر به عراق؛ ۵۲ سال قبل

به ما گفتند آقای حکیم می‌تواند براتنان کاری کند. بنده یک روز بعد از نماز مغرب و عشا به نمایندگی از بقیه بچه‌ها جلورفتم و گفتم: حدود ۲۰ نفر از ایران به‌صورت قاچاقی آمدم و حال می‌ترسیم برگردیم، زندانی شویم.

وقتی صحبتن تمام شد آقای حکیم لیخند ملیحی زد و گفت: خیلی خوب، فردا نزد نماینده‌ام، آقای شیخ نصرالله خلخالی بروید، در عراق شیخ بسیار فعال و زرنگی است و کارتان را اصلاح می‌کند. فردا صبح بعد از تحقیق به منزل دوطبقه‌ای که حیاط کوچکی داشت، رفتم و گفتم: از طرف آقای حکیم ا‌سده‌ام و قضیه را توضیح دادم، گفت: فردا صبح ساعت ۱۰ بجای شرطه‌خانه بایبید. شب به خانه برگشتم و به رفقا گفتم ساعت ۱۰ صبح باید شرطه‌خانه باشیم، ترسیدند که مبادا به شرطه‌خانه برویم دستگیریمان کنند. من وقتی اقا نزدیک در شرطه‌خانه شد، پلیس به او احترام نظامی گذاشت. همراه با اقا وارد شرطه‌خانه شدیم، رئیس فوری بلند شد و احترام نظامی گذاشت و آقا را بوسید. و به زبان عربی صحبت کردند و به من گفت هر موقع می‌خواهید سوار شوید و بروید کاری به شما ندارند. فردای آن روز با اتوبوس از راه قصر شیرین بدون اینکه مشکلی پیش بیاید وارد ایران شدیم. شب به قم رسیدیم، صبح وقتی اهالی محل و دوستان آمدند، من و پدرم از آمدنم باخبر شدند، به دیدنم آمدند و من را با چاوش‌خوانی به حرم حضرت معصومه (س) بردند در مسیر خانه تا حرم بسیار ذوق‌زده و خوشحال از اینکه با این سن‌وسال کم مورد محبت و استقبال مردم قرار گرفتم، خجالت‌زده شدم.

۱- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، کارشناس گروه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۲- مقدار تواناییا، حسین آقاچانی/ روزشمار انقلاب اسلامی در قم ۱۳۵۷-۱۳۴۱/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ چاپ ۱۳۸۷/ ۲ فروردین ۱۳۴۵/ ص ۸۹

۳- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی،